

فصل هجدهم

توسعه مالی

مطالعات تجربی موجود نشان می‌دهند که رابطه مثبتی میان توسعه مالی و رشد اقتصادی در بلندمدت وجود دارد^(۱). سیستم‌های مالی کارآمد می‌توانند از طریق کسب اطلاعات درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تجمع و تجهیز پس‌اندازها، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال حاکمیت شرکتی، تسهیل مبادله کالاها و خدمات و توزیع و مدیریت ریسک، با کاهش هزینه‌های مبادله و کسب و تحلیل اطلاعات، موجب تخصیص بهتر منابع و در نهایت، افزایش رشد اقتصادی شوند.

همچنین، سیستم‌های مالی کارآمدتر، موانع تامین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند.

از عوامل تعیین‌کننده سطح توسعه مالی در کشورها می‌توان به عوامل تاریخی شامل مؤلفه‌های قانونی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و جغرافیایی و عوامل سیاستی شامل محیط سیاسی و اقتصاد کلان، زیرساخت‌های نهادی، قانونی و اطلاعاتی، مقررات و نظارت، رقابت و کارایی، آزادسازی مالی و تسهیل دسترسی به خدمات مالی اشاره کرد.

سیستم مالی یک کشور از بازارها، ابزارها و محصولات مالی متنوعی تشکیل شده است. بر این اساس، توسعه مالی یک مفهوم چندوجهی است که علاوه بر توسعه بخش بانکی، ابعاد دیگری چون توسعه بخش مالی غیر بانکی، توسعه بخش پولی و سیاست‌گذاری پولی، مقررات و نظارت بانکی، باز بودن بخش مالی و محیط نهادی را در بر می‌گیرد. از این رو، چند معیار محدود از جمله عمق مالی^(۲) و سهم اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، نمی‌توانند تمام جنبه‌های توسعه مالی و کارکردهای آن را به خوبی نشان دهند.

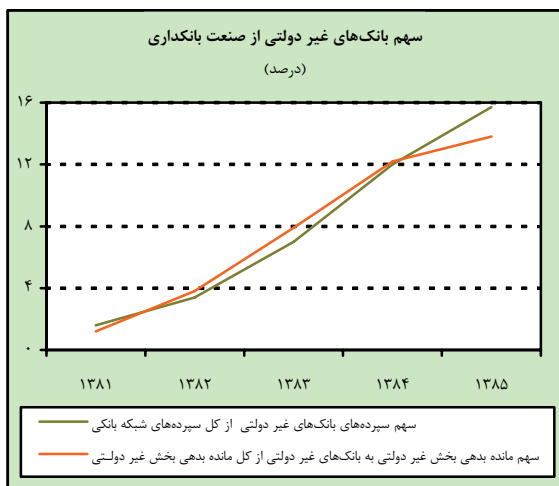
در این بخش، به دلیل کیفی بودن مؤلفه‌های توضیح‌دهنده توسعه مالی در برخی ابعاد و نیز محدود بودن اطلاعات موجود، تنها مؤلفه‌های توضیح‌دهنده ابعاد توسعه بخش بانکی، توسعه بخش مالی غیر بانکی و توسعه پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی تعریف و اندازه‌گیری شده و روند زمانی آنها برای دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱۸- توسعه بخش بانکی

توسعه بخش بانکی که یکی از ابعاد مهم توسعه مالی است را می‌توان به وسیله مؤلفه‌های توضیح‌دهنده زیر بیان نمود:

۱- Demirguc-Kunt, Asli, and Ross Levine (۲۰۰۸), "Finance, Financial Sector Policies, and Long-Run Growth", World Bank, Policy Research Working Paper ۴۴۶۹

۲- Financial Depth



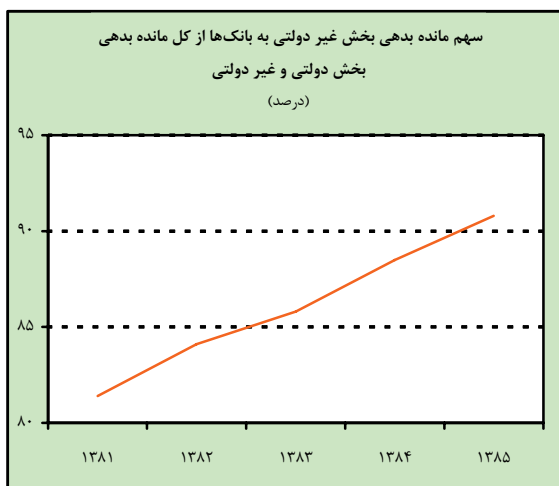
۱۸-۱-۱- سهم بخش غیر دولتی در صنعت بانکداری کشور

به منظور شاخص‌سازی میزان حضور بانک‌های غیر دولتی در صنعت بانکی کشور، می‌توان از سهم سپرده‌ها و اعتبارات تخصیص یافته توسط این بانک‌ها از متغیرهای متناظر در شبکه بانکی استفاده نمود. بدین منظور، در این بخش از نسبت سپرده‌های موجود در بانک‌های غیر دولتی به کل سپرده‌های شبکه بانکی و نیز سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک‌های غیر دولتی از کل مانده بدهی بخش غیر دولتی استفاده شده است.

با شروع فعالیت بانک‌های غیر دولتی در سال ۱۳۸۱،

سهم سپرده‌های بانک‌های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر

بانکی^(۱) از ۱/۶ درصد آغاز شد و با افزایش تعداد این نوع بانک‌ها و گسترش فعالیت آنها به تدریج افزایش یافت، به طوری که در پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۵/۷ درصد رسید. افزایش این نسبت نشان‌دهنده موفقیت این نوع بانک‌ها در جلب اعتماد مردم و جذب سپرده‌های بخش غیر دولتی است. عامل عمده افزایش این سهم و روند رو به تزاید آن را می‌توان بالا بودن نرخ سود (علی‌الحساب) سپرده‌های این بانک‌ها در مقایسه با بانک‌های دولتی، افزایش اعتماد عمومی و همچنین افت شاخص‌های بورس دانست. همچنین سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک‌های غیر دولتی از کل مانده بدهی بخش غیر دولتی نیز از ۱/۲ درصد در پایان سال ۱۳۸۱ به ۱۳/۸ درصد در پایان سال ۱۳۸۵ افزایش یافت.



۱۸-۱-۲- سهم بخش غیر دولتی از تسهیلات بانکی

سهم اعتبارات تخصیص یافته به بخش غیر دولتی از کل اعتبارات، یکی از شاخص‌هایی است که در بسیاری از مطالعات برای اندازه‌گیری توسعه مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبنای استفاده از این شاخص آن است که هرچه نظام مالی سهم بیشتری از اعتبارات را به سمت بخش خصوصی هدایت کند، در کارکردهای خود از قبیل ارزیابی مدیران، انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری، پرداختن به مدیریت ریسک و ارائه خدمات مالی موفق‌تر عمل می‌کند.

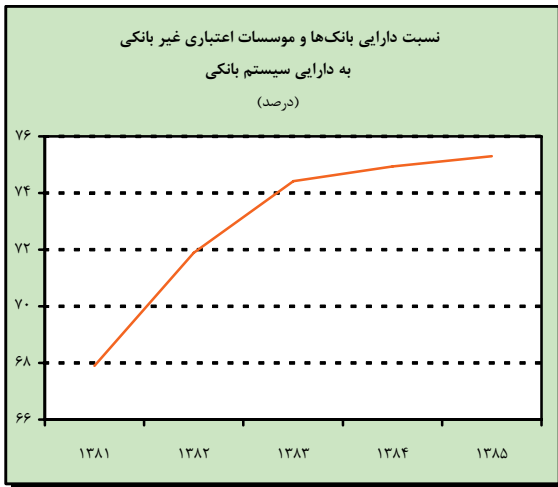
برای ارزیابی چگونگی هدایت اعتبارات به بخش‌های دولتی

و غیر دولتی، از سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک‌ها از کل مانده بدهی بخش دولتی و غیر دولتی استفاده می‌شود. روند صعودی این نسبت نشان‌دهنده افزایش سهم بخش غیر دولتی از تسهیلات بانکی طی سال‌های اخیر است. نسبت مذکور از ۸۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۹۰/۸ درصد در پایان سال ۱۳۸۵ افزایش یافت.

۱- از شهریور ۱۳۸۱ شامل بانک‌های غیر دولتی کارآفرین، سامان، اقتصاد نوین، پارسین، پاسارگاد (از بهمن ۱۳۸۴)، سرمایه (از شهریور ۱۳۸۵) و موسسه اعتباری غیر بانکی توسعه می‌باشد.

۱۸-۱-۳- نسبت دارایی بانکها و موسسات اعتباری به

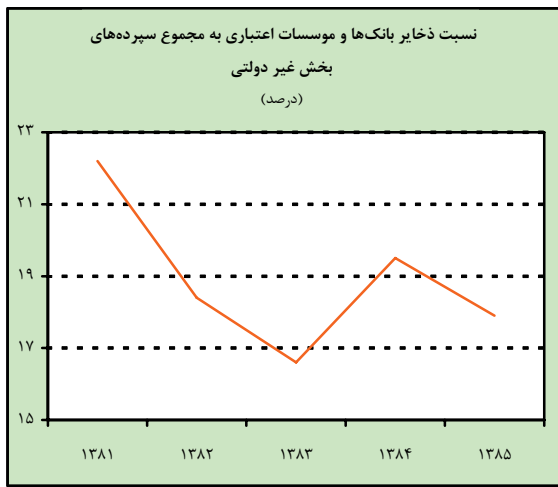
دارایی سیستم بانکی



این مؤلفه نشان‌دهنده اهمیت نسبی موسسات مالی سپرده‌پذیر می‌باشد. شاخص متناظر با مؤلفه مذکور، سهم دارایی‌های داخلی بانکها (به‌جز بانک مرکزی) از کل دارایی‌های سیستم بانکی (شامل بانک مرکزی) است. نسبت مزبور بعد از کاهش ناگهانی در سال ۱۳۸۱ (به دلیل افزایش دارایی‌های بانک مرکزی در اثر اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز) روند صعودی یافت، به طوری که از ۶۷/۹ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۷۵/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرد.

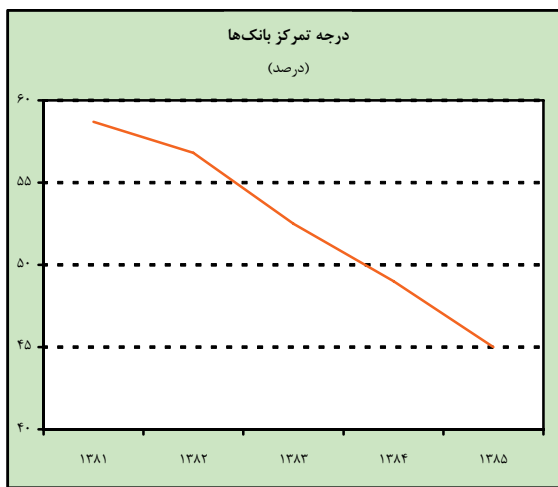
۱۸-۱-۴- نسبت ذخایر بانکها و موسسات اعتباری به مجموع

سپرده‌های بخش غیر دولتی



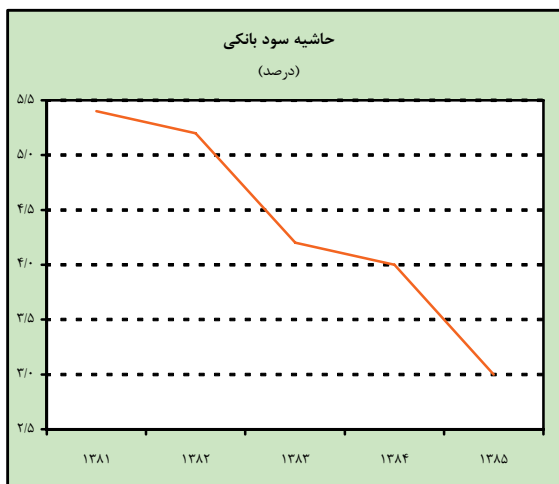
این مؤلفه حاصل تقسیم مجموع ذخایر اضافی و قانونی بانکها و موسسات اعتباری نزد بانک مرکزی و نیز وجوه نقد موجود در صندوق بانکها بر مجموع سپرده‌های بخش غیر دولتی نزد بانکهاست. نسبت مزبور منعکس‌کننده میزان منابع بانکها برای خلق اعتبار و توانایی آنها در اعطای تسهیلات بانکی است. با کاهش ذخایر بانکها نزد بانک مرکزی، توانایی آنها در اعطای تسهیلات بیشتر خواهد شد. روند کاهشی نسبت مذکور از ۲۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ نشان‌دهنده توانایی بیشتر شبکه بانکی در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی و ارائه تسهیلات اعتباری بوده است. به رغم این روند کاهشی، نسبت مذکور به دلیل افزایش سپرده ویژه یکی از بانکها نزد بانک مرکزی در سال ۱۳۸۴ به ۱۹/۵ درصد افزایش یافت. لیکن روند کاهشی نسبت مذکور در سال ۱۳۸۵ مجدداً برقرار گردید، به طوری که این نسبت به ۱۷/۹ درصد در پایان این سال کاهش یافت.

۱۸-۱-۵- درجه تمرکز بانکها



یکی از شاخص‌های درجه تمرکز در بخش بانکی، سهم سپرده‌های سه بانک اول - که بیشترین سهم سپرده‌ها را در شبکه بانکی دارا می‌باشند - از کل سپرده‌های بخش غیر دولتی در شبکه

بانکی می‌باشد. بالا بودن درجه تمرکز می‌تواند نشان‌دهنده عدم رقابت و ناکارایی در شبکه بانکی باشد. روند کاهشی درجه تمرکز بانکها از



۵۸/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۸۵ نشان‌دهنده افزایش فضای رقابتی در صحنه بانکداری کشور طی سال‌های اخیر به دلیل ورود بانک‌های غیر دولتی به صحنه فعالیت‌های بانکی است.

۱۸-۱-۶- حاشیه سود بانکی

تفاوت نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی که حاشیه سود بانکی^(۱) نامیده می‌شود، یکی از معیارهای ارزیابی کارآیی و سودآوری در شبکه بانکی است. البته بالا یا پایین بودن آن به تنهایی نمی‌تواند شاخصی برای ارزیابی کارآمدی و کارآیی شبکه بانکی باشد.

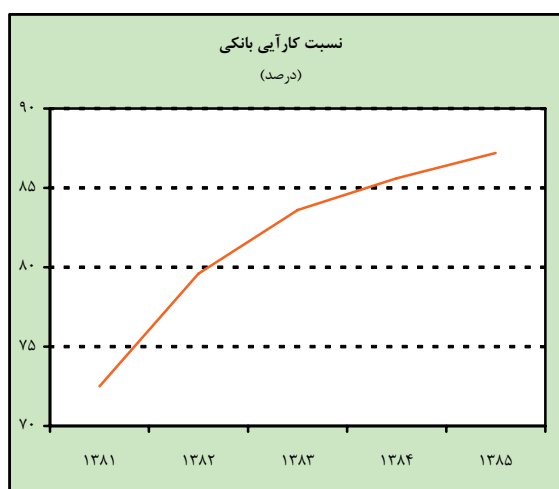
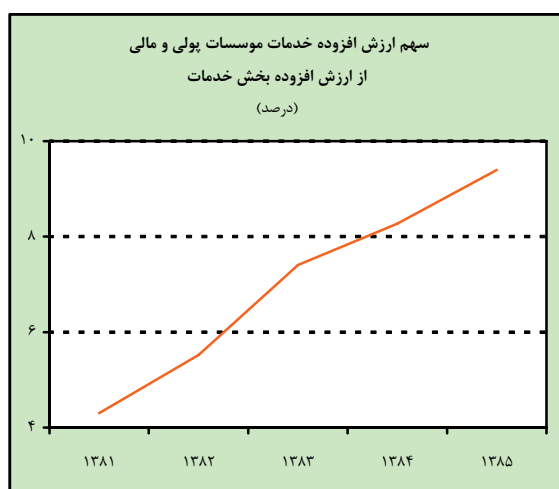
نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز نرخ سود تسهیلات در بخش‌های مختلف متفاوت می‌باشد. لذا از تفاوت نرخ موزون سود علی‌الحساب سپرده‌های مدت‌دار و نرخ موزون سود تسهیلات در بانک‌های دولتی برای محاسبه حاشیه سود بانکی استفاده شده است. بر این اساس، حاشیه سود بانکی از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۳/۰ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافت.

۱۸-۱-۷- ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی

ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی ترکیبی از ارزش افزوده بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی، ارزش افزوده خدمات بیمه‌ای و همچنین ارزش افزوده واسطه‌گری مالی (بورس اوراق بهادار) است. از آنجا که حدود ۸۵ درصد ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی شامل ارزش افزوده ایجاد شده توسط بخش بانکی است می‌توان از نسبت ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی به ارزش افزوده بخش خدمات به عنوان شاخصی از گسترش خدمات بخش بانکی در اقتصاد استفاده نمود. روند صعودی این نسبت حاکی از گسترش خدمات موسسات پولی و مالی در سال‌های اخیر در مقایسه با سایر خدمات می‌باشد. نسبت مذکور از ۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت.

۱۸-۱-۸- کارآیی شبکه بانکی

یکی از شاخص‌های کارآیی شبکه بانکی نسبت تسهیلات اعطا شده به سپرده‌ها می‌باشد. این نسبت نشان‌دهنده توانایی سیستم مالی در استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات است. به علت عدم

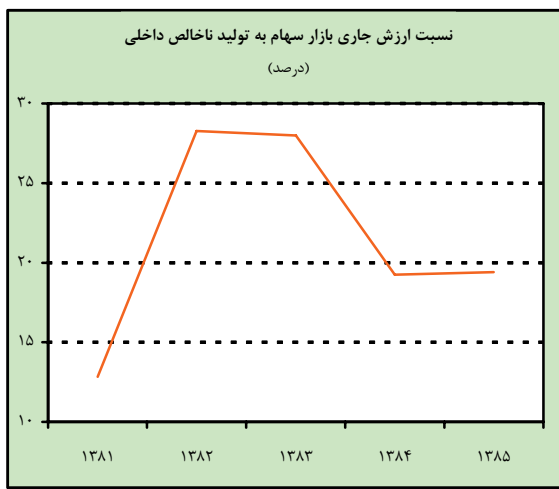


دسترسی به داده‌های خالص تسهیلات اعطا شده، در ارزیابی کارآیی شبکه بانکی از نسبت مانده بدهی بخش غیر دولتی (بدون سود و درآمد سال‌های آتی) در شبکه بانکی به سپرده‌های بخش غیر دولتی استفاده شده است. نسبت مذکور از ۷۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۸۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. این نسبت تحت تاثیر تغییرات نسبت سپرده قانونی و نیز اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی می‌باشد.

۱۸-۲- توسعه بخش مالی غیر بانکی

بخش مالی غیر بانکی، فعالیت بازار سهام، روش‌های تامین مالی غیر بانکی مسکن و سایر نهادهای مالی مانند صندوق‌های بازنشستگی، بیمه و لیزینگ را شامل می‌شود. به دلیل فعالیت محدود برخی از این موسسات و نیز عدم وجود داده‌های مناسب، در این بخش تنها به بررسی شاخص‌های توسعه وضعیت بورس اوراق بهادار تهران و همچنین صنعت بیمه پرداخته می‌شود.

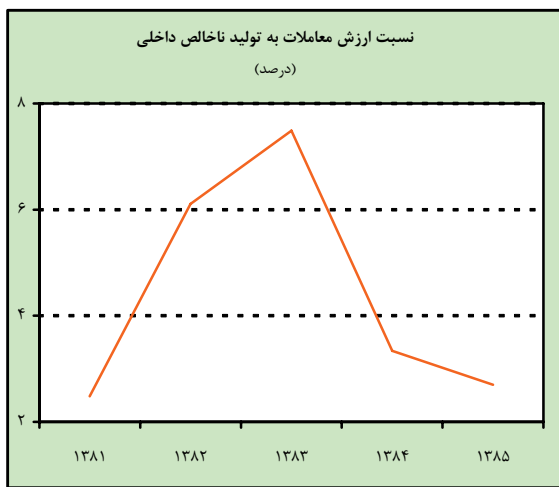
۱۸-۲-۱- نسبت ارزش جاری بازار سهام به تولید ناخالص داخلی



نسبت ارزش جاری بازار سهام به تولید ناخالص داخلی^(۱)

کشور به عنوان شاخص اندازه بازار سهام به کار می‌رود. ارقام موجود نشان‌دهنده افزایش این شاخص طی سال‌های برنامه سوم و کاهش آن طی دو سال اخیر است. شاخص مذکور در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به حداکثر آن (در حدود ۲۸ درصد) افزایش و در سال ۱۳۸۴ به ۱۹/۳ درصد کاهش یافت. این نسبت در سال ۱۳۸۵ تغییر قابل ملاحظه‌ای نسبت به سال ۱۳۸۴ نشان نداده است.

۱۸-۲-۲- نسبت ارزش معاملات به تولید ناخالص داخلی



نسبت ارزش سهام مبادله شده^(۲) به تولید ناخالص داخلی،

توانایی خرید و فروش آسان اوراق بهادار را نشان می‌دهد و بیان دیگری از عمق بازار مالی مبتنی بر اوراق بهادار (سهام) در کشور می‌باشد. هر قدر این نسبت بزرگ‌تر باشد، به همان نسبت مبادله اوراق بهادار آسان‌تر انجام می‌گیرد. نسبت مذکور از ۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت و در سال ۱۳۸۴ به ۳/۳ درصد کاهش یافت. کاهش ناگهانی این نسبت در سال ۱۳۸۴ ناشی از کاهش ارزش معاملات بورس اوراق بهادار از ۱۰۳/۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۵۶/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ است. کاهش بیشتر ارزش معاملات بورس اوراق بهادار در سال

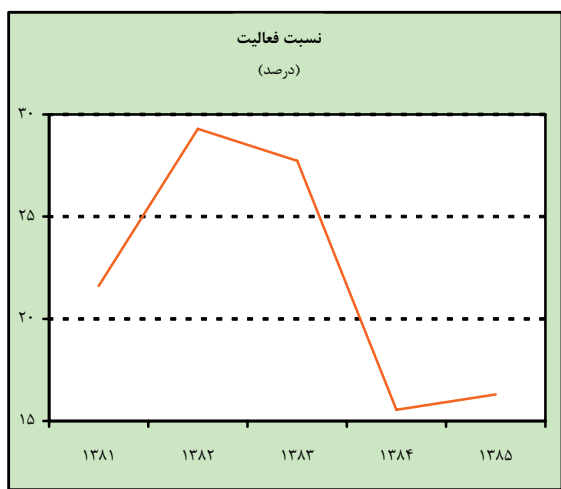
۱۳۸۵ به همراه افزایش تولید ناخالص داخلی جاری موجب کاهش نسبت مزبور به ۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ گردید.

۱- Market Capitalization to GDP Ratio

۲- Value-traded Ratio

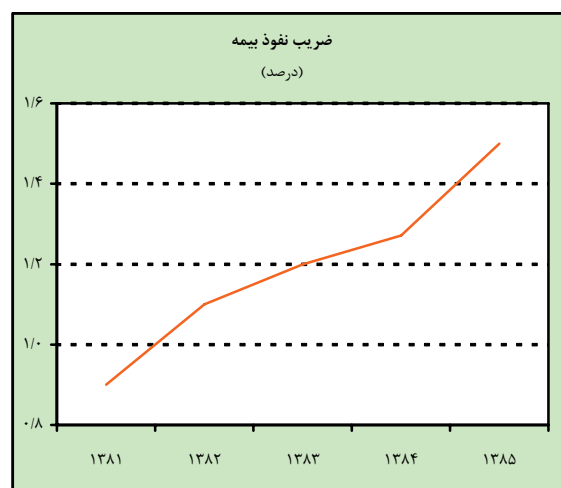
۱۸-۲-۳- نسبت ارزش سهام مبادله شده به متوسط ارزش

جاری بازار



این نسبت که اصطلاحاً نسبت فعالیت نامیده می‌شود، سطح مبادله اوراق بهادار را در مقابل اندازه بازار اوراق بهادار اندازه‌گیری می‌کند. درجه فعالیت بورس در ارتباط با حجم سهام مبادله شده، در مقایسه با ارزش جاری بالقوه سهام شرکت‌های عضو بورس توسط این نسبت نشان داده می‌شود. بالاترین میزان این نسبت طی سال‌های اخیر ۲۹/۳ درصد بوده که در سال ۱۳۸۲ به دست آمده است. نسبت مزبور در سال ۱۳۸۳ با اندکی کاهش مواجه شد و سپس با کاهشی قابل ملاحظه در سال ۱۳۸۴ به ۱۵/۶ درصد رسید. کاهش نسبت مذکور در سال ۱۳۸۴ ناشی از کاهش شدید ارزش معاملات بورس اوراق بهادار به میزان ۴۵/۵ درصد در این سال نسبت به سال ۱۳۸۳ است. به رغم کاهش ارزش معاملات سهام در سال ۱۳۸۵، کاهش شدیدتر میانگین ارزش جاری بازار نسبت به ارزش سهام مبادله شده در بازار موجب افزایش نسبت مزبور در این سال به رقم ۱۶/۳ درصد گردید.

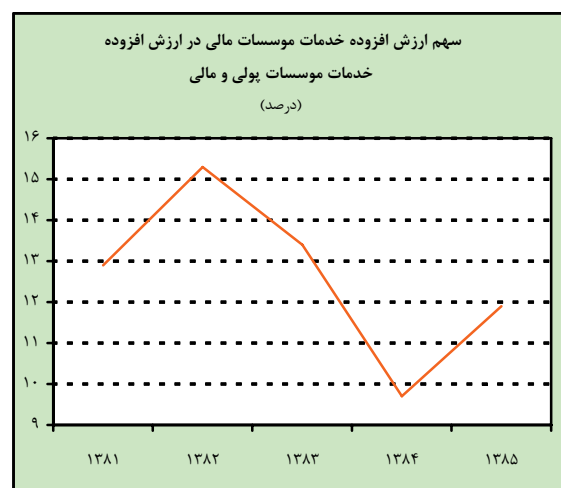
۱۸-۲-۴- نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی



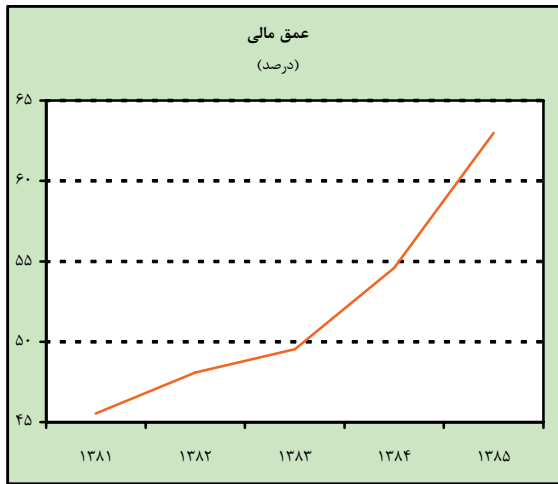
نسبت حق بیمه دریافتی شرکت‌های بیمه به تولید ناخالص داخلی که اصطلاحاً ضریب نفوذ بیمه^(۱) نامیده می‌شود، یکی از شاخص‌های توسعه بازار بیمه است. نسبت مزبور از ۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. روند متغیر مذکور حاکی از رشد فعالیت‌های صنعت بیمه کشور و فزونی رشد حق بیمه‌ها در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های اخیر می‌باشد.

۱۸-۲-۵- سهم ارزش افزوده خدمات موسسات مالی در ارزش

افزوده خدمات موسسات پولی و مالی



ارزش افزوده خدمات موسسات مالی شامل ارزش افزوده ایجاد شده توسط شرکت‌های بیمه و ارزش افزوده ایجاد شده خدمات واسطه‌گری مالی (بورس اوراق بهادار) است. سهم ارزش افزوده بیمه و بورس در کل ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی



نشان‌دهنده سهم موسسات مالی غیر بانکی در ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی است.

نسبت مذکور طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ با نوساناتی که داشته است از ۱۲/۹ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۵/۳ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش و سپس با طی روندی کاهشی به ۹/۷ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافت. این متغیر به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت.

۱۸-۳- توسعه پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی

در بعد سوم از ابعاد توسعه مالی، شاخص‌های مربوط به نقش سیاست‌های پولی در توسعه مالی بررسی می‌شوند.

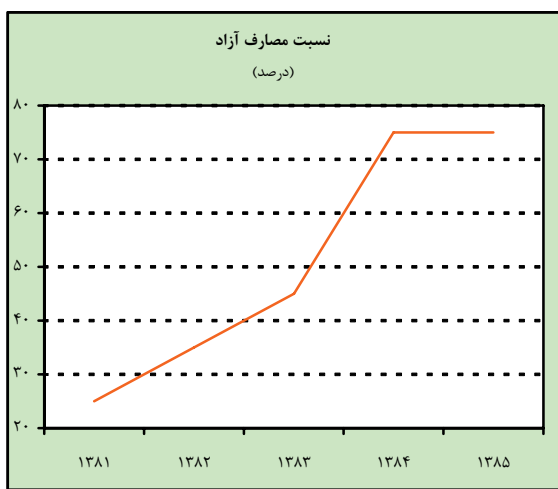
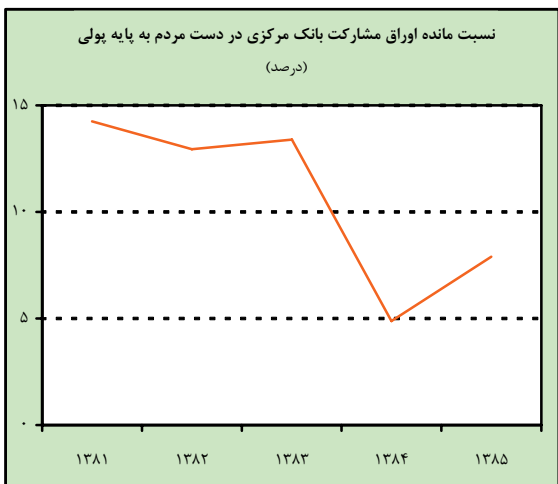
۱۸-۳-۱- عمق مالی

نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی جاری، معیاری برای سنجش عمق سیستم مالی و اندازه بخش واسطه‌گری مالی است. بر مبنای تعریف ارائه شده، شاخص عمق مالی در اقتصاد ایران در دوره زمانی ۸۵-۱۳۸۱ دارای روندی به شکل نمودار روبه‌رو می‌باشد. شاخص مذکور از ۴۵/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۶۳/۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت.

۱۸-۳-۲- مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی

هدف از انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی، توسعه و بسط عملیات بازار باز و اجرای سیاست‌های پولی از حیث مدیریت نقدینگی می‌باشد. با این هدف انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی از اواخر سال ۱۳۷۹ در کشور آغاز شد.

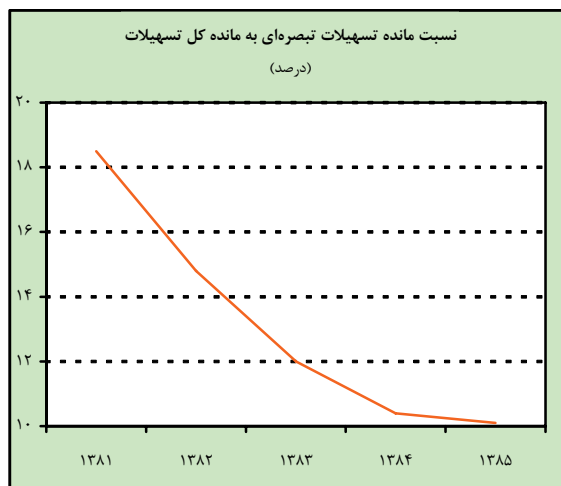
نسبت مانده اوراق مشارکت فروخته شده بانک مرکزی به پایه پولی شاخصی از گسترش سیاست‌های پولی غیر مستقیم است. شاخص مذکور در سال ۱۳۸۱ با ۱۴/۳ درصد در بالاترین میزان خود طی سال‌های انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی قرار داشت. این شاخص در سال ۱۳۸۲ اندکی کاهش یافت ولی مجدداً در سال ۱۳۸۳ با اندکی افزایش به ۱۳/۴ درصد رسید. نسبت مزبور با کاهش قابل ملاحظه‌ای در سال ۱۳۸۴ به ۴/۹ درصد رسید. کاهش نسبت مذکور در سال ۱۳۸۴



ناشی از کاهش رقم اوراق مشارکت فروخته شده بانک مرکزی از ۲۰۲۳۷/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۱۰۷۶۸/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ در کنار رشد مستمر پایه پولی است که نشان‌دهنده مشکلات موجود در ارتباط با انتشار این اوراق است. افزایش مانده اوراق مشارکت فروخته شده در سال ۱۳۸۵ به رقم ۲۲۱۸۷ میلیارد ریال موجب افزایش نسبت مزبور به ۷/۹ درصد در این سال گردید.

۱۸-۳-۳- کنترل اعتبارات

کنترل اعتبارات از کانال‌های مهم انتقال آثار سیاست پولی به بخش واقعی اقتصاد است. سیاست‌گذاری اعتباری با هدایت اعتبارات به سمت بخش‌های خاص قادر به اعمال تأثیراتی بر نرخ رشد آنها می‌باشد. نسبت مصارف آزاد به عنوان یکی از شاخص‌های کاهش کنترل مستقیم اعتبارات در بعد سیاست‌گذاری پولی در دوره مورد بررسی با روندی صعودی با نرخ فزاینده از ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. این نسبت در سال ۱۳۸۵ نیز همان ۷۵ درصد باقی ماند.



علاوه بر نسبت مصارف آزاد، برای نشان دادن میزان کنترل اعتبارات توسط دولت، می‌توان از نسبت مانده تسهیلات تبصره‌ای^(۱) به مانده کل تسهیلات نیز استفاده نمود^(۲). از آنجا که کنترل اعتبارات یکی از موانع تخصیص بهینه منابع و توسعه مالی بیشتر است، کاهش این نسبت نشان‌دهنده توسعه مالی بیشتر است. نسبت مزبور از ۱۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافت.

۱۸-۳-۴- آزادی نرخ سود

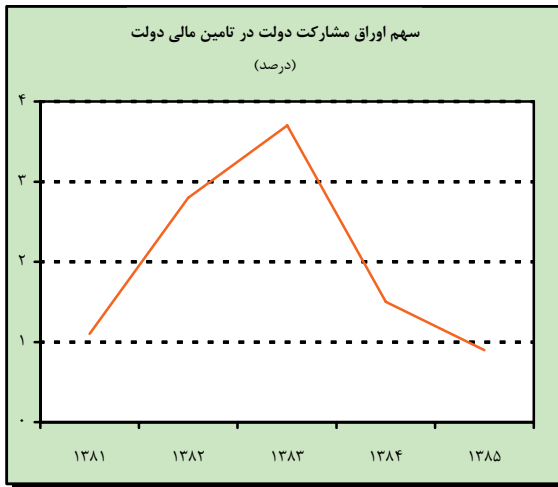
برای تبیین مؤلفه آزادی نرخ سود، تحولات نرخ سود حقیقی تسهیلات و سپرده‌های بانکی در بانک‌های دولتی در نظر گرفته می‌شود. نرخ سود حقیقی مثبت نشان‌دهنده آزادی بیشتر نرخ سود

می‌باشد. نرخ سود حقیقی تسهیلات بانکی در بانک‌های دولتی پس از یک روند کاهشی از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۳، به رقم ۵/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت و مجدداً در سال ۱۳۸۵ به رقم ۲ درصد کاهش یافت. نرخ سود حقیقی سپرده‌های بانکی در بانک‌های دولتی نیز که در سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۳ منفی بود، به تدریج بهبود یافت و به رقم ۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ رسید. نرخ مزبور مجدداً در سال ۱۳۸۵ منفی شد.

۱- منظور از تسهیلات تبصره‌ای، تسهیلاتی است که بانک‌ها مکلفند براساس تبصره‌های قانون بودجه پرداخت نمایند. شایان ذکر است ارقام ارائه شده در گزارش، براساس سرفصل‌های دفاتر کل بانک‌ها می‌باشد که علاوه بر تسهیلات تبصره‌ای شامل اجزای دیگر مانند سود و درآمد سال‌های آتی نیز می‌باشد.

۲- این نسبت از تقسیم تسهیلات اعطایی تبصره‌ای بانک‌های دولتی به بخش‌های دولتی و غیر دولتی به بدهی بخش‌های دولتی و غیر دولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی (به شکل درصد) به دست آمده است.

۱۸-۳-۵- اوراق مشارکت دولتی



به منظور استفاده از ابزارهای مالی جدید و تامین مالی طرح‌های سودآور، استفاده از اوراق مشارکت دولتی از سال ۱۳۷۶ آغاز شد. به منظور تبیین اثر این سیاست، از سهم اوراق مشارکت فروش رفته در هر سال در تامین مالی دولت استفاده می‌شود. نسبت مذکور طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ بین ۱ تا ۴ درصد در نوسان بود، لیکن در سال ۱۳۸۵ به رقم ۰/۹ درصد کاهش یافت.

در جدول زیر مؤلفه‌های توضیح‌دهنده توسعه مالی در ابعاد سه‌گانه توسعه بخش بانکی، توسعه بخش مالی غیر بانکی و توسعه بخش پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی، شاخص‌های متناظر با مؤلفه‌های مذکور و نیز متوسط نرخ رشد سالانه هر مؤلفه در دوره زمانی ۸۵-۱۳۸۱ نشان داده شده است.

مؤلفه‌های توسعه مالی

متوسط نرخ رشد سالانه (۸۵-۱۳۸۱)	سال					
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
	مؤلفه‌های توسعه بخش بانکی					
۷۷/۰	۱۵/۷	۱۲/۰	۷/۰	۳/۴	۱/۶	سهم سپرده‌های بانک‌های غیر دولتی از کل سپرده‌های شبکه بانکی
۸۴/۲	۱۳/۸	۱۲/۲	۷/۹	۳/۸	۱/۲	سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک‌های غیر دولتی از کل مانده بدهی بخش غیر دولتی
۲/۸	۹۰/۸	۸۸/۵	۸۵/۸	۸۴/۱	۸۱/۴	سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک‌ها از مانده بدهی کل
۲/۶	۷۵/۳	۷۴/۹	۷۴/۴	۷۱/۹	۶۷/۹	نسبت دارایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به دارایی سیستم بانکی
-۵/۲	۱۷/۹	۱۹/۵	۱۶/۶	۱۸/۴	۲۲/۲	نسبت ذخایر بانکی به مجموع سپرده‌های بخش غیر دولتی
-۶/۴	۴۵/۰	۴۹/۰	۵۲/۵	۵۶/۸	۵۸/۷	درجه تمرکز بانکی
-۱۳/۷	۳/۰	۴/۰	۴/۲	۵/۲	۵/۴	حاشیه سود بانکی (۱)
۲۱/۶	۹/۴	۸/۳	۷/۴	۵/۵	۴/۳	سهم ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی در ارزش افزوده بخش خدمات
۴/۷	۸۷/۲	۸۵/۶	۸۳/۶	۷۹/۶	۷۲/۵	کارایی شبکه بانکی
	مؤلفه‌های توسعه بخش مالی غیر بانکی					
۱۱/۰	۱۹/۴	۱۹/۳	۲۸/۰	۲۸/۳	۱۲/۸	نسبت ارزش جاری بازار به تولید ناخالص داخلی (۲)
۱/۹	۲/۷	۳/۳	۷/۵	۶/۱	۲/۵	نسبت ارزش معاملات به تولید ناخالص داخلی
-۶/۸	۱۶/۳	۱۵/۶	۲۷/۷	۲۹/۳	۲۱/۶	نسبت فعالیت
۱۳/۶	۱/۵	۱/۳	۱/۲	۱/۱	۰/۹	ضریب نفوذ بیمه
-۲/۰	۱۱/۹ ^(۴)	۹/۷ ^(۳)	۱۳/۴ ^(۳)	۱۵/۳ ^(۳)	۱۲/۹	سهم ارزش افزوده خدمات موسسات مالی در ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی
	مؤلفه‌های توسعه بخش پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی					
۸/۵	۶۳/۰	۵۴/۶	۴۹/۵	۴۸/۱	۴۵/۵	عمق مالی
-۱۳/۸	۷/۹	۴/۹	۱۳/۴	۱۲/۹	۱۴/۳	مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی
-۱۴/۰	۱۰/۱	۱۰/۴	۱۲/۰	۱۴/۸	۱۸/۵	کنترل اعتبارات (سهم مانده تسهیلات تبصره‌ای در مانده کل تسهیلات)
۹/۳	۲/۰	۵/۵	۰/۹	۱/۳	۱/۴	آزادی نرخ سود تسهیلات (۵)
-۲۹/۳	-۱/۰	۱/۴	-۳/۳	-۳/۹	-۴/۰	آزادی نرخ سود سپرده‌ها (۵)
-۴/۹	۰/۹	۱/۵	۳/۷	۲/۸	۱/۱	سهم اوراق مشارکت دولتی - بودجه‌ای در تامین مالی دولت

۱- فقط شامل بانک‌های دولتی است.
 ۲- براساس ارقام تجدید نظر شده تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ و ارقام مقدماتی آن در سال ۱۳۸۵ محاسبه شده است.
 ۳- ارقام اصلاح شده و مقدماتی است.
 ۴- رقم مقدماتی است.
 ۵- ارقام فقط شامل بانک‌های دولتی است و نرخ تورم براساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ در نظر گرفته شده است.